



۲۰۱۹/۰۳/۱۴

حنیف رهیاب رحیمی

آیا طالبان به صلح تن خواهند داد؟



دنبوره مذاکرات صلح و جلسه و جرگه بازی به خاطر آوردن صلح درین روزها در هر طرف نواخته میشود که عده ای از هموطنان ما آنرا به فال نیک گرفته و به آمدن روزهای آرامش و زندگی عادی و انسانی امیدوار گردیده اند. اگر در کشور صلح بیاید و دامن این همه خونریزی و قتل و کشتار برچیده شود، امریست عالی و فوق العاده نه تنها برای هر افغان بلکه برای هر انسان صلحدوست و خیرخواه در جهان. اما صلح زمانی به میان خواهد آمد که طالبان این دشمنان صلح و آرامش مردم، دست از جنگ و خونریزی بکشند و از غرور کاذب و کمند فرعونی شان فرود آیند. وقایع روزمره نشان می دهد که در حال حاضر دو گروه عمده در حال جنگ اند:

➤ - در آنطرف گروه از قدرت برکنار شده ای به نام طالبان که پس از سقوط امارت اسلامی شان به دامن پاکستان پناه بردند، به کمک حامیان منطقوی شان خود را دوباره منسجم ساختند، به سربازگیری پرداختند و با استفاده از ضعف و نوازش های حکومت حامد کرزی و داکتر اشرف غنی، دوباره وارد صحنه شدند و همه دیدیم که با استفاده از سستی و خوش بینی حکومت های وقت و کنونی نسبت به ایشان و با دریافت کمک های وافر کشورهای امارات متحده عرب، و هابی های سعودی و پاکستان دوباره جان گرفتند و منحيث یک قوه نظامی تبارز نمودند.

➤ - در اینطرف جمهوری اسلامی افغانستان که به کمک جامعه جهانی به میان آمده و در حال حاضر یا به طور کلی و یا قسمی، دیموکراسی و دست آوردهای زندگی پیشرفته و مدنی را به مردم بخصوص به قشر زنان در کشور به ارمغان آورده است.

در جنگ کنونی هیچ شکی نیست که هر دو طرف مسلمانان بین هم می جنگند. در زبان هر دو طرف کلمه الله اکبر جاریست. درین جنگ، تعرض، کشتار و خونریزی از جانب طالب ها صورت می گیرد در حالیکه نیروهای دولتی همیشه در حالت دفاعی قرار داشته اند. اما اگر درین مسأله دقت نماییم، به آسانی قابل درک است که طالبان با قتل

های بیرحمانه و ایجاد وحشت، در صدد نمایش قدرت و توانایی نظامی شان به خاطر بدست آوردن حکومت و برقراری امارت اسلامی اند.

سهیم شدن در حکومت فعلی که جامعه جهانی و دولت افغانستان روی آن حساب می کنند، در لیست اهداف آنها جایی ندارد. بیش از دو هفته می شود که نماینده خاص امریکا داکتر خلمی خلیل زاد در امر صلح افغانستان با این گروه در قطر مذاکره دارد اما تا حال به قناعت طالب ها درین زمینه موفق نشده است.

این موضوع را آنها با انجام حملات بی رحمانه شان بر پوسته ها و مراکز نیروهای امنیتی افغان، دفاتر دولتی و محلات پر جمع و جوش هر روز به نمایش می گذارند که در نتیجه آن هزاران هموطن ما به کام مرگ فرستاده می شوند. این گروه تشنه قدرت از بس بی احساس، کور دل و در مقابل زندگی مردم بی اعتنا و نفهم هستند، تا می توانند می کشند و سر می برند و تشنگی شان هرگز فرو نمی نشیند. فقط فرزندان بی گناه و بیچاره ای را که برای دفاع از وطن و تهیه نفقه خانواده به صفوف نیروهای امنیتی پیوسته اند می کشند. یگروز نشنیدیم که این لشکر ابوجهل یکی از خائنین ملی را که تمام دارایی های کشور را چپاول نموده اند، ترور کرده باشند.

از لحاظ حقوقی یکی از عوامل عمده و مهم رشد روز افزون ملیشه های طالب اینست که در افغانستان در طول هفده سال اخیر، از حاکمیت قانون خبری نیست. هفده سال می شود که به اتهام (انجام عمل جرمی علیه امنیت داخلی و جرم خیانت به وطن) کسی به سزای اعمالش نرسیده و محکمه نگردیده است.

افراد بیشماری طی این سال ها به جرم قتل عام مردم بیگناه و جاسوسی برای کشور های بیگانه دستگیر و زندانی شده اند که پس از مدتی یا به بهانه ای مورد عفو قرار گرفته اند و یا قادر به فرار ساخته شده اند و عده بی شماری ازین مجرمین تا کنون در زندانهای حکومتی سه وقت غذا و پنج وقت نماز شانرا ادا نموده منتظر روز رهایی هستند.

اگر همین فردا در هر ولایت افغانستان، ده طالب جنایت پیشه که ده ها انسان بیگناه را به قتل رسانیده و از جانب محاکم به اعدام محکوم گردیده اند، در چهار راهی های شهرها به دار آویخته شوند، هفته بعد نصف این لشکر ابوجهل از ترس و بیم مرگ به وظیفه حاضر نمی گردند و تفنگ بر زمین می گذارند.

اما اکنون هر روز اینها می بینند که:

- - مرتکب جرم و حتی جنایت می گردند اما جزا نمی بینند
- - کمک مالی و نظامی ثروتمند ترین و مغرض ترین کشورهای منطقه را با خود دارند
- - با وجود جنایت های نابخشودنی، از طرف دولت نوازش و عفو هم می شوند
- - و در نهایت جناح مقابل شان یعنی نیروهای امنیتی کشور از یکطرف تعلیم و تربیه لازم جنگی ندارند و از سوی دیگر از لحاظ تاکتیکی در میدان های جنگ درست مدیریت و رهنمایی نمی گردند.

اینجاست که طالبان منحیث یک نیروی طاغوتی ظاهر شده و غرور کاذب و گردن کشی شان تا حدی رسیده که با وجود خواستها و تقاضای جهانیان حتی حاضر نیستند حکومت کابل را منحیث یک طرف مذاکره قبول و دور یک میز با آنها بنشینند. جالب است که یک «گروه» در یک سمت قرار دارد و یک «دولت» با همه ساز و برگش در طرف دیگر. دیدن این حالت برای هر فرد وطنپرست و روشنفکر خیلی دردناک است. اگر بگوییم که حکومت فعلی بی کفایت است، و یا فاسد است، بی اراده و دست نشانده است، نمی تواند جلو بی بند و باری های گروه ها و افراد مسلح غیر مسؤول را بگیرد، فاشیست و قبیله گرا است و . . . ولی با وجود همه این نواقص، گیریم که درست باشد، اگر این

دولت را در یک پله ترازو و طالبک های قرون وسطایی، بی مدنیت و بی رحم را یکجا با دیگر افراطیون در پله دیگر ترازو قرار دهیم، دولت فعلی با همه کمبودی هایش بهتر، پسندیده تر و با موازین و نورم های بین المللی و عصر نوین موافق تر، نیکوتر و منطقی تر است.

مردم جنگ دیده و نگون بخت افغانستان اگر برای یک لحظه در رویاهای شیرین برقراری صلح و قطع جنگ و خونریزی فرو می روند، لحظه بعد زنده شدن خاطرات وحشت و بربریت دوران حاکمیت طالبان این رویای شیرین شانرا مختل می سازد بخصوص زنان و قشر جوان کشور که همه آزادی ها و دست آوردهای موجود را در معرض پامال شدن و خطر نابودی می بینند.

غرور احمقانه و تکبر طالبانی نشان دهنده اینست که این گروه مشکل است به برقراری صلح و سهیم شدن در حکومت تن در دهند. اینها شرط اول حاضر شدن به مذاکرات با دولت افغانستان و قبول متارکه را خروج کامل نیروهای خارجی از کشور گذاشته اند و اینرا آنها بخوبی می دانند که با خروج نیروهای خارجی از یک دروازه، نیروی طالبان با سرکردگی آی. اس. آی. از دروازه دیگر وارد کشور می گردد.

طالبان در شریک شدن با دولت فعلی از طریق راه های دیموکراتیک خود را قناعت داده نمی توانند زیرا دیموکراسی در آنها معنی نمی دهد، آنچه منظور نظر این قوم است تصاحب کامل قدرت و برقراری امارت اسلامی طالبان مانند سال های قبل است که امید می رود ایالات متحده امریکا این همه دست آوردهای دیموکراتیک را که مردم با آن انس گرفته اند، به زیاله دانی نیاندازند

طالب ها باز هم خواب می بینند که باز هم در وزارت خانه ها میز ها و چوکی را دور و دفاتر وزیر صاحبان! شانرا با دوشک و پستی و گلم و شطرنجی فرش کنند و تغذانی ها را زینت بخش و نقل میدان دفاتر بسازند.

شاید باز هم آرزو دارند با گرفتن قدرت، وظایف اصلی زنان را به کارهایی چون تولید و تکثیر فرزندان، پخت و پز و ارضای تمایلات جنسی شوهران خلاصه نمایند. و شاید آرزو دارند که باز هم در وقت نماز در هر چهارراهی مزدوران امر بالمعروف قمچین در دست، رهگذران را به خواندن نماز مکرر مجبور بسازند و صداها بدبختی دیگر که ذکر آن انسان را دلبد می سازد.

بدبختی بزرگ دیگر فقدان کدرهای تحصیل یافته و با دانش در بین افراد این گروه است تنها با داشتن دانش اسلامی که اگر از آنهم بهره مند باشند! نمی توان جامعه را بسوی ترقی و تعالی سوق داد و نمی توان با پیشرفت های ساینس و تکنالوژی نوین و تمدن جهانی همگام و هم قدم گردانید.

طالب ها با عقل اندکی که دارند خیلی جاهلانه فکر می کنند که می توانند قوای ائتلاف و در رأس آنها سیاستمداران امریکایی را غافلگیر نموده و با خنث کردن آب ماهی مطلوب شانرا بدست بیاورند، نباید فراموش کرد که بیرون شدن نیروهای ائتلاف از کشور به افغان کشی طالبان و خود کفاندن های آنان هیچ ربطی نداشته، صرف سیاست های خارجی و منافع آنها، درین زمینه مطرح و مهم است اما چون طالب ها خیلی ها مغرورند غافل اند که با این سرتیمیگی و عقل خام شان، از یکطرف باعث دوامدار شدن جنگ و خونریزی و قتل و کشتار بیشتر مردم می گردند و از سوی دیگر کشور را مانند مورچه ای که در جنگ دو فیل لگد مال می گردد، تکه تکه می سازند. و این آرزوی بیست که دشمن درجه یک مردم ما یعنی پاکستان اینها را به انجام آن وظیفه دار ساخته است.

این بحث را با نقل قولی از یک دانشمند به پایان می‌رسانم که گفته: «حق داده نمی‌شود. بلکه حق خود را بزور باید گرفت».

طالب‌ها هم حق زندگی کردن، حق لبخند زدن، حق در صلح و آرامش زیستن را از مردم گرفته‌اند اینها باید به وسایل و طرق مختلف مجبور ساخته شوند تا خوشبختی مردم را که همانا صلح، آرامش، و آسایش است، دوباره به مردم برگردانند. والسلام.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می‌توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



آیا طالبان به صلح تن خواهند داد؟

[Rayab_hr_aayaa_talebaan_basolh_raazi_meshawand.pdf](#)